

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«باسمه تعالی»

فرم تعهدنامه

اینجانب نجم‌الدین آرازی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی به این وسیله اعلام می‌نمایم که در نگارش پایان‌نامه خود تحت عنوان «المقارنة بين الشاهنامه للفردوسی و الشاهنامه للثعالبی المرغنی» امانت‌داری را رعایت نموده و نظرات مطرح شده در این رساله متعلق به من است و در کلیه مواردی که به نحوی از انحاء از آراء و نظریات دیگران استفاده کرده‌ام منبع آن آراء و نظریات را به دقت و به روشنی در هر مورد به صورت جداگانه ذکر کرده‌ام. چنانچه پس از تسلیم این رساله برای دفاع معلوم شود که بر اساس مطالب فوق خلافی صورت گرفته است نمره فعلی رساله این جانب منتفی و حق هیچ‌گونه اعتراضی نخواهم داشت. همچنین چنانچه پس از فراغت از تحصیل این جانب معلوم شود که در این رساله خلافی صورت گرفته این حق برای دانشگاه محفوظ خواهد بود که اعتبار مدرک تحصیلی این جانب را باطل اعلام نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو :

امضاء :

تاریخ :



جامعة العلامة الطباطبائي
كلية الآداب الفارسية واللغات الأجنبية
قسم اللغة العربية و آدابها

المقارنة بين الشاهنامة للفردوسي و الشاهنامة للثعالبي المرغني

بحث مقدم لنيل درجة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها

الاستاذ المشرف:
الدكتور سيد محمد حسيني

الاستاذ المشرف المساعد:
الدكتور محمد هادي مرادي

إعداد:
نجم الدين ارازي

طهران، سنة: ١٣٨٨ هـ.ش
١٤٣١ هـ.ق

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: المقارنة بين الشاهنامه للفردوسی و الشاهنامه للثعالبي المرغنی	
نویسنده / محقق: نجم الدین ارزی	
مترجم:	
استاد راهنما: دکتر سید محمد حسینی استاد مشاور: دکتر محمد هادی مرادی	
کتابنامه: واژه نامه:	
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۸۸-۸۹	
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی	
دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی	
تعداد صفحات: ۲۶۰ صفحه گروه آموزشی: زبان و ادبیات عرب	
کلید واژه ها به زبان فارسی: المقارنة - الشاهنامه - الفردوسی - تاریخ غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، الثعالبی المرغنی	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:	
Contrast - Shahnamah - Ferdowsi - Ghoraroakhbaremolokel fors va seyarahom - AththaāLebiAlmarghani	

الف - موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

موضوع این پایان‌نامه به مقایسه شاهکار ادبیات فارسی یعنی شاهنامه فردوسی با جلد اول کتاب تاریخی «غرر السیر» که «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» نام دارد، اختصاص دارد. این رساله در زمره‌ی تحقیقات ادبیات تطبیقی میان دو زبان فارسی و عربی قرار می‌گیرد و کشف و بررسی زوایای ناشناخته این موضوع که از مسائل مهم ادبی مشترک میان ادبیات فارسی و عربی است، از جمله‌ی اهداف نگارنده می‌باشد.

ب - مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

سؤال‌های مطرح شده در این رساله عبارتند از: ۱- نویسنده کتاب «غرر السیر» ثعالبی مرغنی است یا ثعالبی نیشابوری؟ ۲- آیا ثعالبی در نگارش جلد اول کتاب تاریخی خود که مربوط به تاریخ ایران باستان می‌شود، از شاهنامه‌ی فردوسی بهره گرفته است؟ ۳- شباهت و اختلاف دو کتاب در چه مواردی است و علت آن چه می‌باشد؟ مقایسه دو کتاب مورد نظر از دیدگاه مکتب فرانسه در ادبیات تطبیقی صورت می‌پذیرد که هدف اصلی این مکتب، رسیدن به حقایق از راه تاریخی و چگونگی اثرگذاری و تأثیرپذیری یک زبان از زبان دیگر است. و منابع اصلی ما نیز در این پژوهش، منظومه‌ی حماسی شاهنامه و کتاب ثعالبی و نیز کتاب حماسه ملی ایران اثر تودور نولدکه، ترجمه‌ی بزرگ علوی و کتاب حماسه‌سرایی در ایران اثر دکتر ذبیح‌الله صفا است و هم چنین کتاب‌های تاریخی و ادبی که مرتبط با موضوع ما هستند.

پ - روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های

نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

ادبیات تطبیقی از شاخه‌های مهم ادبیات است که به بررسی اشتراکات و اختلاف‌های دو ملت با زبان‌های مختلف می‌پردازد تا تأثیرگذاری و اثرپذیری این دو را بر همدیگر بررسی کند. و بر دو اساس، گوناگونی زبان و وجود ارتباط تاریخی میان دو موضوع مورد مطالعه، استوار است. نگارنده در این رساله، ابتدا به شکلی مختصر به بیان زندگی فردوسی و ثعالبی مرغنی می‌پردازد و سپس به موضوع منابع و مآخذ شاهنامه فردوسی و نگارش تاریخ در میان مسلمانان اشاره می‌کند. و آنگاه پس از این مقدمه‌چینی به بخش اصلی رساله که مقایسه دو اثر شاهنامه فردوسی و تاریخ ثعالبی است، ورود می‌کند و به شکلی مفصل و دقیق به بیان وجوه اختلاف و اشتراک این دو کتاب می‌پردازد.

و در نتیجه‌گیری و ارائه جواب برای سؤال‌های پایان‌نامه نیز نهایت سعی بر آن شده است تا از نظریات دانشمندان و اساتیدی چون دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر میرجلال‌الدین کزازی و شرق‌شناسانی چون نولدکه و زوتنبرگ و ... استفاده شود.

ت - یافته‌های تحقیق :

۱- نویسنده کتاب تاریخی «غرر السیر» ابومنصور حسین بن محمد الثعالبی المرغنی است.

۲- ثعالبی در نگارش تاریخ خود همانند فردوسی از شاهنامه‌ی مشهور ابومنصوری بهره گرفته است. و به عبارت دیگر سبب شباهت این دو کتاب، یکسان بودن منابع آنهاست. و اختلاف این دو کتاب نیز ناشی از مراجعه فردوسی و ثعالبی به منابع دیگر و نیز زمینه کاری این دو است. که مثلاً ثعالبی به عنوان یک مورخ ناگزیر به خلاصه‌نویسی و ایجاز و حذف اسطوره‌ها از کتاب خود گردیده است، در حالی که فردوسی به عنوان یک شاعر با دست باز و فراغ بال به داستان‌ها شاخ و برگ می‌دهد و به صورت نسبتاً کامل اسطوره‌های ایران باستان را در کتاب خود جای می‌دهد.

ث - نتیجه‌گیری و پیشنهادات :

طبق بررسی‌ها و مقایسه‌های صورت گرفته میان دو کتاب، نگارنده بر این عقیده است که شباهت این دو کتاب به علت بهره‌گیری فردوسی و ثعالبی از منبعی واحد به نام شاهنامه ابومنصوری است. ادبیات تطبیقی، نیازمند آموزش بیشتر و تشویق و دعوت دانشجویان به ارائه مقالات و رساله‌هایی در این شاخه مهم و حیاتی است. و نیز این که شاهکارهای زبان و ادبیات فارسی نیازمند توجه و اهمیت بیشتری در گروه زبان و ادبیات عربی است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم، بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌دهم.

نام استاد راهنما :

سمت علمی :

نام دانشگاه :

رئیس کتابخانه :

أهدى هذا العمل المتواضع الى أبى الكريم و أمى
الحنون اللذين ربيانى و علمانى حبّ التعلّم و
الاجتهاد فى سبيله.

الملخص

هذه الرسالة «المقارنة بين الشاهنامة للفردوسى و الشاهنامة للثعالبي المرغنى» عمل متواضع يبحث عن مسألة ادبية مهمة تشترك بين الادب الفارسى و الادب العربى. و قد وقع موضوع هذه الرسالة فى إطار الادب المقارن الذى يعتمد على دعامين أساسيين، هما اختلاف اللّغة و الصلات التاريخية.

ثمّة عدة أسئلة تطرح فى هذه الرسالة و منها ١- من هو مؤلف تاريخ «غزر السير»؟ ٢- هل استفاد الثعالبي المرغنى فى كتابة تاريخه من شاهنامة الفردوسى؟ ٣- و ما هى مواضع الاشتراك و الاختلاف بين الكتابين و ما هى اسبابها؟. فقد راجع كاتب الرسالة المصادر و المراجع العديدة حتّى يجيب الى هذه الاسئلة.

و تتشكل هذه الرسالة من مقدّمة و خمسة فصول و خاتمة. و الفصل الاول منها يختصّ بالدراسة التاريخية. بحيث قد جاءت حياة الفردوسى و الثعالبي المرغنى بشكل موجز. ثم قد كتبت مصادر الشاهنامة و كيفة كتابة التاريخ عند المسلمين فى القرون الاولى بعد ظهور الاسلام. و فى الفصول الباقية يدخل فى صلب الموضوع و يتحرّى مواضع الاشتراك و الاختلاف فى الكتابين للوصول الى الغرض.

الصفحة	فهرس الموضوعات
١	المقدمة
الفصل الاول : حياة الفردوسى و الثعالبى و دراسة مصادر الشاهنامه	
٧	- حياة الفردوسى
١٠	- سنة ختم الشاهنامه
١٢	- مصادر الشاهنامه
١٤	- الشاهنامات الفهلوية و العربية و الفارسية
١٩	- كتابة التاريخ عند المسلمين
٢٢	- حياة الثعالبى المرغنى
٢٣	- من هو مؤلف تاريخ «غرر السير»؟
٢٦	- التعريف بكتاب «غرر اخبار ملوك الفرس و سيرهم»
٢٧	- مقارنة مقدمة الكتابين
الفصل الثانى : البيشداديون	
٣٣	- كيومرث
٣٥	- هوشنگ
٣٧	- طهمورث
٣٨	- جمشيد
٣٩	- الضحاک
٤٦	- فريدون
٥١	- منوچهر
٥٤	- قصة زال و رودابه
٦٠	- ولادة رستم و بلوغه

- ٦٢ - نوذر
٦٧ - زو بن طهماسب و گرشاسب
٦٩ - ملخص الفروق الهامة

الفصل الثالث : الكيانيون

- ٧٣ - كيقباد
٧٥ - كيكاسوس
٨١ - سياوش
- حرب كاموس الكشاني - خاقان الصين - حرب رستم و اكوان الجنى - قصة بيژن و منيره و
٩٢ وقعة «يازده رخ»
٩٥ - كيخسرو و حروبه الكبرى مع افراسياب
١٠٠ - لهراسب
١٠٣ - گشتاسب
١١١ - هفت خوان لاسفنديار
١١٥ - رستم و اسفنديار
١١٨ - رستم و شغاد
١٢٠ - بهمن
١٢١ - همای
١٢٣ - دارا الاكبر
١٢٤ - دارا بن دارا
١٢٧ - الاسكندر
١٣٥ - ملخص الفروق الهامة

الفصل الرابع : الاشكانيين أو ملوك الطوائف

- الاشكانيون

١٤١ - اول امر اردشير

١٤٥ - ملخص الفروق الهامة

الفصل الخامس : الساسانيون

١٤٧ - اردشير

١٤٩ - شاپور بن اردشير

١٥٠ - هرمز بن شاپور أو اورمزد بن شاپور

١٥١ - بهرام بن اورمزد

١٥٢ - بهرام بن بهرام بن اورمزد

١٥٣ - بهرام بن بهرام بن بهرام

١٥٣ - نرسی بن بهرام بن بهرام

١٥٤ - هرمز بن نرسی

١٥٥ - شاپور ذو الاکتاف

١٥٧ - اردشير بن هرمز

١٥٨ - شاپور بن شاپور

١٥٨ - بهرام بن شاپور بن شاپور

١٥٩ - يزدجرد بن بهرام بن شاپور

١٥٩ - بهرام جور

١٦٣ - يزدجرد بن بهرام جور

١٦٤ - فيروز بن يزدجرد بن بهرام جور

١٦٦ - بلاش بن فيروز

١٦٨	- قباد بن فيروز
١٦٩	- جاماسب بن فيروز
١٧٠	- عود الملك الى قباد
١٧٢	- كسرى انوشروان
١٨٠	- هرمز بن انوشروان
١٨٤	- خسرو برويز
١٩٠	- شيرويه (أو قباد) بن برويز
١٩٢	- اردشير بن شيرويه
١٩٣	- شهر براز (أو فرائين گراز)
١٩٣	- پوران بنت كسرى ابرويز
١٩٤	- آزرمي دخت
١٩٤	- فرخزاد
١٩٤	- يزدجرد بن شهريار
١٩٧	- ملخص الفروق الهامة
١٩٨	الخاتمة
٢٠١	الملخص بالفارسيّة
٢٥٣	فهرس المصادر و المراجع
٢٥٩	الملخص بالانجليزيّة

المقدمة

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد (ص) و على آله الطاهرين.
أما بعد فهذه الرسالة «المقارنة بين الشاهنامه للفردوسى و الشاهنامه للثعالبي المرغنى»
تختصّ بالأدب المقارن الذى يهدف الى شرح الحقائق تاريخياً و كفيّة انتقال بعض الاشياء من
لغة الى أخرى و لذلك يعتمد على دعامتين : اختلاف اللّغة و الصلات التاريخية^١. و يستوفى
هذان الكتابان القيّمان هذه الشروط.

هل استفاد الثعالبي المرغنى فى تأليف المجلد الاول من كتابه «تاريخ غرر السير»
المسمّى بـ«غرر اخبار ملوك الفرس و سيرهم» من شاهنامه الفردوسى؟ هذا السؤال هو السؤال
الأساسى الذى يطرح فى هذه الرسالة و يحاول الطالب أن يجيب اليه باستعانة الابحاث و الكتب
المدوّنة فى هذا المضمار و كذلك بالمقارنة بين نصّ الكتّابين.

فالثعالبي قد استفاد فى كتابة تاريخه من شاهنامه أبى منصورى و تاريخ الطبرى و تاريخ
ابن خردادبه و كتاب الآيين و كتاب البدء و التاريخ للمقدسى و الشاهنامه المنظومة للمسعودى
المروزى. ولكنه من الممكن أن يكون قد شاهد شاهنامه الفردوسى بمساعدة الامير نصر بن
ناصر الدين أخى الملك محمود الغزنوى فى مكتبة البلاط. فقد كانت الشاهنامه موجودة فى تلك
المكتبة ٢٦ أو ١٠ سنة قبل تأليف كتاب الثعالبي - فقد بحثنا حول هذا الامر فى الفصل الاول -
و ربّما استفاد الثعالبي من القصص و الروايات التاريخية الموجودة فيها لأنّ الفردوسى قد راجع
لنظم منظومته شاهنامه ابى منصورى و عدّة مصادر و مراجع أخرى^٢. و من هذا المنطلق إنّ
شاهنامه الفردوسى هى جامع الأساطير الايرانيّة و تاريخ الفرس القديم فلهاذا قد يكون احسن
مصدر للمجلد الاول من كتاب الثعالبي المرغنى الذى يختص بتاريخ ايران القديم.

١- الادب المقارن، الدكتور محمد غنيمى هلال، ص ٢٠-١٦

٢- شاهنامه، فتح بن على البندارى، ج ٢، ص ٢٧٥؛ حماسه ملى ايران، تودور نولدكه، ترجمة بزرگ
علوى، ص ٨٦؛ فردوسى و شعر او، مجتبى مينوى، ص ٧٩-٧٦؛ حماسه سرايى در ايران، الدكتور
ذبيح الله صفا، ص ٢٠٦-٢٠٤

أما حول أهمية شاهنامه الفردوسى فيكتب مؤلف مجمل التواريخ و القصص : «إن منظومة الشاهنامه فى موضوع تاريخ الفرس قبل الاسلام هى الاصل و انشعبت بقية المصادر منها»^١ و كذلك يقول النظامى العروضى السمرقندى الذى زار مقبرة الفردوسى بعد مئة سنة من موته : «الحق إنه لم يترك شيئاً و أنه بلغ بالكلام الى سماء العليين و أوصله فى العذوبة الى ماء معين»^٢. و يضيف النظامى العروضى فى اهمية الشاهنامه : «أى طبع يتهيأ له هذه القدرة ليصل بالكلام الى الدرجة التى أوصله الفردوسى فى كتابه الذى كتبه زال الى سام بن نريمان فى مازندران بشأن طلب الزواج من روزابه ابنة ملك كابل. أنا لم أر فى كلام العجم مثل هذه القدرة و كذلك فى كثير من كلام العرب»^٣.

شاهنامه الفردوسى منظومة طويلة حوالى ٦٠ الف بيت و تجمع معظم اساطير الفرس و تاريخهم و تعدد من القيم الثقافية العظيمة للايرانيين. و هى احدى روائع الادب و الفن فى العالم و ديوان من الملاحم و القصص و الفنون الادبية و الحكمية. و كذلك تعتبر من مراجع اللغة الفارسية و هى فى الاصل عدة كتب كتبها ابناء الفرس المختلفون فى عدة عصور و جمعوا جميع الاساطير الفارسية القديمة و قام الفردوسى بجمع ما فى تلك الكتب و نظمه فى قصيدة طويلة. و الشاهنامه اكبر موسوعة عن الفرس قبل الاسلام و كتاب ادبى مملوء بالملاحم الوطنية و فنون الفصاحة و البلاغة و كنز من المفردات الفارسية. و كذلك نظمت على بحر المتقارب. و يصرح الاستاذ الفقيه مجتبى مينو أن أقدم كتاب يذكر الفردوسى و الشاهنامه هو كتاب «تاريخ سيستان» الذى كتبه مؤلف مجهول سنة ٤٤٥ هـ. فجاء فى ذلك الكتاب : «إن الفردوسى هو الذى قد أحيا قصة رستم و أهداها الى الملك محمود الغزنوى و أنشده أمام

١- مجمل التواريخ و القصص، التصحيح محمد تقى بهار، ص ٢، تعريب

٢- چهار مقاله (المقالات الاربع)، النظامى العروضى، ترجمة الدكتور عبدالوهاب عزام و يحيى الخشاب،

٣- م. ن، ص ٥٦-٥٥، تلخيص

٤- فردوسى و شعرا، مجتبى مينو، ص ٤٣-٤٢

الملك عدة أيام حتى قال له محمود : ليست الشاهنامه إلا حديث رستم و في جيشي ألف رجل كرستم...»^١.

و كذلك يعتقد الاستاذ مینوی أن اهمية الشاهنامه تنحصر في ثلاثة عوامل : ١- إنها احدى الآثار الادبية الفنية الكبيرة التي نظمها الفردوسی خلال ثلاثين سنة من حياته. ٢- انها تاريخ القصص و حكاية اجداد قوم الفرس و هي شجرة الفرس ٣- ان لغة تلك الملحمة، اللغة الفارسية و هذه اللغة هي سبب اتحاد الاقوام في بلاد الفرس.^٢

و يقلد كثير من الشعراء في القرنين الخامس و السادس شاهنامه الفردوسی^٣. و يقول ژول مول : إن ناظم «گرشاسپ نامه» قد نظم كتابه للحسد على الفردوسی^٤. فمن الممكن أن نقول أن الفردوسی و منظومته اشتهرا بعد قليل من الزمن.

و أيضاً كتب الدكتور عبدالوهاب عزام حول اهمية الشاهنامه : «و للشاهنامه عند الفرس مكانة عظيمة؛ هي سجل تاريخهم و اناشيد مجدهم و ديوان لغتهم، ينشدونه في المحافل و يهيم به العالم و الجاهل. و قد سماه ابن الاثير قرآن القوم»^٥.

و أما دافعي من اختيار هذا الموضوع هو رغبتى في الادب الفارسی و رائعته «شاهنامه الفردوسی» و كذلك حبى للادب المقارن. فيما أن فرعى في الجامعة هو اللغة العربية و آدابها فأحسن موضوع لرسالتى هو الادب المقارن الذى يبحث في مظاهر التأثير و التأثر بين الآداب المختلفة.

لم يرغب هذا الموضوع عن عيون العلماء و المستشرقين بل تطرق اليه الباحثين و منهم المستشرق تودور نولدكه في كتابه «حماسه ملی ايران» و كذلك كتب المستشرق الفرنسى

١- تاريخ سيستان، التصحيح محمد تقى بهار، ص ٧، تعريب

٢- فردوسی و شعرا، مجتبى مینوی، ص ١٤، تعريب

٣- م. ن، ص ٤٢-٤٣، تعريب

٤- ديباجه شاهنامه، ژول مول، ترجمة جهانگیر افكارى، ص ٤٠، تعريب

٥- شاهنامه، فتح بن على البندارى، مقدمة الدكتور عبدالوهاب عزام، ص ٧١

زوتنبرگ مقدمة مفصلة على كتاب الثعالبي المرغنى و بحث عن مواضع الموافقة و المخالفة بين نصّى الشاهنامه للفردوسى و غرر السير للثعالبي بصورة موجزة. و أيضاً هناك بعض الاساتذه الايرانيون الذين دخلوا فى هذا المضمار كالدكتور ذبيح الله صفا و الدكتور ميرجلال الدين كزازى و الاستاد الفقيه مجتبى مينوى و العلامة القزوينى و

أمّا حول المصادر و المراجع فراجعت فى البداية المصادر التى تناولت حياة الفردوسى و الثعالبي و تصفّحت و بحثت فيها كذلك راجعت المصادر التى كتبت حول الشاهنامه و مصادرها و كذلك قارنت بشكل مفصل و بدقة كاملة نصّ الكتابين حتى اجيب الى الاسئلة المطروحة فى الرسالة.

و قد اشتملت هذه الرسالة على مقدمة و خمسة فصول و خاتمة. و الفصل الاول هو دراسة تاريخية بحيث يبحث عن حياة الفردوسى و الثعالبي و كذلك يتناول مصادر تاريخ الفرس قبل الاسلام و كذلك الشاهنامات المختلفة حتى يصل الى نتيجة حول تلك المصادر. و أمّا بقية الفصول فهى تتناول مقارنة الكتابين. و الفصل الثانى هو مقارنة الكتابين فى عهد الپيشداديين و الفصل الثالث : العهد الكيانى و الفصل الرابع : العهد الاشكانى و الفصل الخامس هو العهد الساسانى.

و فى النهاية أرى من الواجب أن أشكر شكراً جزيلاً الاستاذ المشرف الدكتور سيد محمد حسينى الذى قبل الاشراف على هذه الرسالة و أرشدنى فى كتابتها و أشكر استاذى المشرف المساعد الدكتور محمد هادى مرادى الذى ساعدنى بادخال بعض التغييرات الضرورية فى الرسالة. كما أعرب عن شكرى لجميع أساتذتى الافاضل فى جامعة العلامة الطباطبائى :

استاذى العالم الكريم الدكتور نجفى و الدكتور ميرحاجى و الدكتور گنجيان و الدكتور مرامى و الدكتور ناظميان و الدكتور باستان و الدكتور كرمى و الدكتور صالح بيك.

و كذلك أشكر من صميم قلبى أساتذتى الكرام فى جامعة طهران خاصة الاستاذ الدكتور انوار، الاستاذ الدكتور آذرشب و الدكتور دزفولى و الدكتور طهماسبى و الدكتور مقدسى و الدكتورة مشكين فام و الدكتورة شبستري و

و أخيراً لا ادعى بأننى تناولت هذا الموضوع كما كان حقه من البحث فحسبى نصيب ما
اجتهدت فى هذا الموضوع فالكمال لله وحده و الحمد له اولاً و آخرأً.

الفصل الاول

حياة الفردوسى و الثعالبى و

دراسة مصادر الشاهنامه

حياة الفردوسى^١

لاخلاف فى أن الفردوسى و حياته حقيقان بدراسة مفصلة موضحة. ولكننا فى هذه الرسالة نتناولهما بايجاز و اختصار. و بما أن السؤال الاساسى للرسالة يختص بمقارنة نصّ الكتابين، الشاهنامه للفردوسى و المجلد الاول من كتاب تاريخ «غرر السير» المسمى بـ«غرر اخبار ملوك الفرس و سيرهم» فنلخص فى كتابة حوادث حياة الفردوسى و التعالى المرغنى ثم نتناول موضوع تاريخ ختم الشاهنامه و مصادرها.

ثمّة هالة من الابهام فى حياة هذا الشعر بحيث يختلف كتاب التراجم و الباحثون حول حوادث حياته. فاسمه غير معروف على وجه الدقة. فقد جاء فتح بن على البندارى، الذى ترجم شاهنامه الفردوسى الى اللغة العربية خلال سنّى ٦٢٠ الى ٦٢٤ هـ اسم الفردوسى بهذا الشكل : «الحكيم ابوالقاسم الحسن بن على الفردوسى الطوسى»^٢.

١- للمزيد من الاطلاع على حياة الفردوسى راجعوا هذه المراجع : ١- شاهنامه، فتح بن على البندارى، مقدمة الدكتور عبدالوهاب عزام، ص ٧٠-٤١؛ ٢- چهار مقاله (المقالات الاربع)، النظامى العروضى، ترجمة الدكتور عبدالوهاب عزام، ص ٥٩-٥٥؛ ٣- تذكرة الشعراء، دولتشاه السمرقندى، ص ٦٣-٥٧؛ ٤- شعر العجم، شبلى نعمانى، ج ١، ص ٨٦-٧١؛ ٥- حماسه ملى ايران، تتودور نولدكه، ترجمة بزرگ علوى، ص ٧٠-٥٤؛ ٦- فردوسى و حماسه ملى، هانرى ماسه، ترجمة الدكتور مهدى روشن ضمير، ص ١١٢-٥٩؛ ٧- فردوسى و شعرا، مجتبى مينوى، ص ٤٤-٣٥؛ ٨- فردوسى و شاهنامه او، حبيب يغمابى، ص ٢٥٨-١٨٤؛ ٩- تاريخ ادبيات در ايران، الدكتور ذبيح الله صفا، ص ٤٦٣-٤٥٨؛ ١٠- حماسه سرايى در ايران، الدكتور ذبيح الله صفا، ص ١٧٦-١٧١؛ ١١- شاهنامه و فردوسى، الدكتور ركن الدين همايون فرخ، ج ١، ص ٣٣٩-٢٧١؛ ١٢- زندگى نامه فردوسى و سرگذشت شاهنامه، الدكتور سيد محمد دبير سياقى، ص ١٤١-٧

٢- شاهنامه، فتح بن على البندارى، ج ١، ص ٣

و كتب حمدالله المستوفى اسم الفردوسى فى كتابه «تاريخ كزیده» الذى ألفه سنة ٧٣٠ هـ
: «ابوالقاسم الحسن بن على الطوسى»^١.
و قد أتى دولتشاه السمرقندى مؤلف كتاب «تذكرة الشعراء» عام ٨٩٢ هـ : «ذكر حسان
العجم فردوسى طوسى حسن بن اسحاق بن شرفشاه»^٢.
ولكن المصادر قد اتفقت على حول كنيته «ابوالقاسم» و تخلصه «الفردوسى». فقد نظم
الفردوسى تخلصه فى منظومته^٣.
و قد جاء المؤلف المجهول لكتاب «تاريخ سيستان» - التأليف عام ٤٥٥ هـ - «ابوالقاسم
الفردوسى»^٤. و كذلك قد ذكر «الفردوسى» فى كتاب «لغتنامه اسدى»^٥. و كتب المؤلف المجهول
لكتاب «مجل التواريخ و القصص» - التأليف عام ٥٢٠ هـ - «الفردوسى»^٦.
و قد أتى النظامى العروضى مؤلف كتاب «چهار مقاله» عام ٥٥٠ هـ بـ «الاستاذ ابوالقاسم
الفردوسى»^٧. و أيضاً قد ذكر ابن اسفنديار فى تاريخ طبرستان - التأليف عام ٦١٣ هـ -
«الفردوسى»^٨.

١- تاريخ كزیده، حمدالله مستوفى، ص ٣٥١، ٧

٢- تذكرة الشعراء، دولتشاه سمرقندى، ص ٥٧

٣- شاهنامه، طبعة مسكو، ج ٦، ص ٦٥

٤- تاريخ سيستان، التصحيح محمد تقى بهار، ص ٧

٥- لغتنامه اسدى، التصحيح عباس اقبال آشتيانى، (فهرس الاعلام)

٦- مجل التواريخ و القصص، ص ٣-٢

٧- چهار مقاله، (المقالات الاربع)، ص ٥٥

٨- تاريخ طبرستان، ابن اسفنديار، التصحيح عباس اقبال آشتيانى، ج ١، ص ٨٢-٦١-٥٠